

Exploring girls' perceptions of and reasons for delaying marriage (case study: South Khorasan province)

Hadi Barati¹

Received: 19/4/2022

Accepted: 6/12/2022

Abstract

The present study has a mixed-methods, sequential exploratory design and aimed to explore girls' perceptions of and reasons for delaying marriage. The population of the qualitative part of the research was all the single girls over 27 years of age in South Khorasan province who lived in Birjand city for educational and occupational reasons, that using sampling method, 13 people selected as participants. The statistical population of the quantitative part of the study, using available sampling method, 90 people selected the statistical sample. Data was collected using a semi-structured interview and a researcher-made questionnaire. Maxqda10 software and smart pls3 were used for data analysis. The results identified four dimensions associated with girls' delayed age at marriage, namely economic, cultural, social, and demographic dimensions. The economic (0.54) and cultural (0.51) dimensions explained of delay marriages changes in research. Therefore, the economic dimension has a more effective role in explaining girls' delayed marriages. In general, these dimensions explained 0.82 of the changes in the delayed marriages of girls in south Khorasan province. The results further showed that both the financial independence and, conversely, the lack of employment of girls were the most important economic components affecting girls' delay in marrying. Moreover, customs and a negative attitude toward marriage are considered the most important cultural factors affecting girls' marrying age in south Khorasan province. Based on the results of this research, provincial managers and policymakers should take a special look at resolving economic and cultural issues in order to reduce the marrying age of girls in south Khorasan province.

Keywords: exploring, girls' perception, marriage, delayed marriage

1. Assistant Professor, Department of Education, Faculty of Education and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran. h.barati@birjand.ac.ir

مقاله علمی - پژوهشی

واکاوی ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج و دلایل آن (مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی)

هادی براتی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۳۰

مشاهده مقاله منتشر شده: دوره ۱۷، شماره ۱

http://www.farhangekhorasan.ir/article_162320.html

چکیده

هدف پژوهش حاضر، واکاوی ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج و دلایل آن بود که به روش ترکیبی و طرح اکتشافی متوالی انجام شده است. مشارکت‌کنندگان بخش کیفی پژوهش، شامل کلیه دختران مجرد بالای ۲۷ سال در استان خراسان جنوبی بود که به دلایل آموزشی و شغلی در شهر بیرجند سکونت داشتند. در بخش کیفی با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی، ۱۳ نفر به عنوان مشارکت‌کننده انتخاب شدند و برای انتخاب نمونه آماری مناسب در بخش کمی پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و در نهایت ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد و در نهایت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA10 و اسمارت PLS3 انجام شد. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران استان خراسان جنوبی را می‌توان در قالب چهار عامل اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی تحلیل و تبیین کرد که در این بین عوامل اقتصادی (۰/۵۴) و فرهنگی (۰/۵۱) نسبت به عوامل اجتماعی و جمعیت‌شناختی، نقش بیشتری در تبیین پدیده تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی دارد. نتایج پژوهش نشان داد که استقلال مالی دختران و از طرف دیگر، عدم اشتغال دختران به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه اقتصادی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران و همچنین

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

آداب و رسوم و نگرش منفی نسبت به مقوله ازدواج، به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران استان خراسان جنوبی محسوب می‌شود. بر مبنای نتایج حاصل از این پژوهش، به منظور کاهش سن ازدواج دختران، مدیران و سیاست‌گذاران استانی، می‌بایست نگاه ویژه‌ای به حل مسائل اقتصادی و فرهنگی دختران استان خراسان جنوبی داشته باشند.

واژه‌های کلیدی: واکاوی، ادراک دختران، ازدواج، تأخیر سن ازدواج

مقدمه

مسئله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر در طول تاریخ بوده و هست. به همین خاطر، این مسئله، علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه حوزه‌های علمی مختلف چون جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روان‌شناسی و فلسفه بوده است؛ از این‌رو، با توجه به اینکه خانواده به عنوان یکی از نهادهای مهم هر جامعه محسوب می‌شود و در صورت هرگونه تغییر و تحول در جامعه، بالطبع تغییراتی در این نهاد نیز ایجاد خواهد شد. افزایش سن ازدواج دختران و بروز پدیده مجرد تا سن بالا در بین آنان، از زمره این تحولات است که در نتیجه تغییرات کلان در سطح جامعه حادث شده است. امروزه نگرش‌های متفاوتی نسبت به سن ازدواج وجود دارد که به یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مناقشه بین نسلی در خانواده‌ها، به‌خصوص خانواده‌های شهری مبدل شده است (Blesk & Buss, 2001: 1314). پدیده افزایش سن ازدواج نه فقط در ایران؛ بلکه حتی در کشورهای توسعه‌یافته فراصنعتی مانند ایالات متحده آمریکا نیز مشاهده می‌شود؛ به طوری که بر اساس نتایج مطالعات موجود، سن ازدواج در این کشور از اواسط دهه ۱۹۶۰ به طرز برجسته‌ای افزایش یافته است (Loughran & Zissimopoulos, 2004: 5). بدین صورت که نسبت افراد ازدواج‌کرده در این کشور در سال ۱۹۶۰ برابر با ۰/۷۸ بود که در سال ۲۰۰۰ به ۰/۵۲ و در سال ۲۰۰۵ به کمتر از ۰/۵۰ کاهش یافته است (حبیب‌پور گتایی و غفاری، ۱۳۹۰: ۸).

بررسی مبانی نظری موضوع، بیانگر این است که مسئله افزایش میانگین سن در اولین ازدواج را می‌توان نقطه مشترک اکثر کشورهای جهان، خصوصاً طی دهه‌های اخیر به شمار آورد که

توجه بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه ازدواج و خانواده (Retherford, Ogawa & Hacker, Hilde & Jones, 2010; Nai Peng, 2007; Matsukura, 2001) در کشورهای مختلف به آن معطوف شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد با گسترش امکانات جدید ارتباطی و تغییرات اقتصادی و فرهنگی، جامعه ایران با موج فزاینده‌ای از تغییرات ارزشی و هنجاری مواجه شده است (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۳) و شاهد تغییرات مهمی در الگوهای ازدواج در کشور بوده‌ایم که مؤید رواج ارزش‌های فرهنگی غیرسنتی در حوزه خانواده و ازدواج است؛ از جمله این تغییرات می‌توان به افزایش سن ازدواج، کاهش ثبات آن و تغییر معیارهایی در همسرگزینی (جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری، ۱۳۹۲: ۱۶۰) گسترش روابط جنسی پیش از ازدواج، ازدواج سفید، عشق‌های سیال و مجرد تا سنین بالا اشاره کرد.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که میانگین سن ازدواج در ایران با تحولات عمده‌ای روبه‌رو شده است. بر این اساس سن ازدواج دختران بین سال‌های (۱۳۸۱-۱۳۴۵) با افزایش تدریجی همراه بوده است و این افزایش، به‌خصوص برای دختران در یکی دو دهه اخیر شتاب بیشتری داشته است؛ به طوری که در سال ۱۳۸۱ بیش از یک چهارم دختران ۲۹-۲۵ سال هنوز ازدواج نکرده بودند. همچنین سن ازدواج زنان در ایران در طی سال‌های سرشماری (۱۳۸۱-۱۳۴۵) بتدریج افزایش یافته و از ۱۸/۴ سال به ۲۳/۲ سال رسیده؛ در صورتی که سن متوسط ازدواج مردان فقط از ۲۵/۸ سال به ۲۵/۹ سال رسیده است. پیگیری‌های دفتر آمار و مطالعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور نشان می‌دهد، طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۱ همچنان سن ازدواج دختران در ایران افزایش یافته است. بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، فاصله میانگین سن در اولین ازدواج مردان نسبت به زنان در کل کشور ۴ سال و ۴ ماه بیشتر است که این فاصله نسبت به سال ۱۳۵۵ تغییر معنی‌داری نیافته است؛ به طوری که در سال ۱۳۹۵ میانگین سن در اولین ازدواج مردان ۲۷/۴ سال و زنان ۲۳ سال در کل کشور محاسبه شده است و این نشانگر در سال ۱۳۵۵ برای مردان ۲۴/۱ و زنان ۱۹/۷ سال بوده است؛ به عبارتی در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۵۵ مردان و زنان به طور متوسط، ۳ سال و ۴ ماه دیرتر ازدواج کرده‌اند. در این زمینه آمار سازمان ثبت‌احوال کشور در سال ۱۳۹۷ بیانگر این است که میانگین سن ازدواج برای دختران ۲۴ و برای پسران ۲۹ سال

گزارش شده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۷) که بیانگر روند افزایشی میانگین سن ازدواج در کشور است و همه این آمار و ارقام حاکی از این است که بالارفتن سن ازدواج در ایران، به یک معضل اجتماعی تبدیل شده است.

ضرورت و بررسی پدیده افزایش سن ازدواج طی سال‌های اخیر، به عنوان یک موضوع مهم تلقی شده به طوری که در سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) و نیز سیاست‌های کلی خانواده (۱۳۹۵) یک بند به طور اختصاصی به موضوع افزایش سن ازدواج اختصاص یافته و ضمن تأکید بر لزوم کاهش سن ازدواج، بر تسهیل و ترویج تشکیل خانواده نیز تأکید شده و علاوه بر فضای رسانه‌ای، در مطالعات متعددی (زارعان، ۱۳۹۷: ۸۹؛ شعاع کاظمی و فرازنده پور، ۱۳۹۸: ۱۲۵؛ جرجرزاده و دیگران، ۱۴۰۰: ۹۱؛ علانی بوسجین، ۱۴۰۰: ۲۳۷) مطرح شده است. در این راستا نتایج بررسی‌های انجام شده بیانگر این است که بالارفتن سن ازدواج، می‌تواند تبعات اجتماعی زیادی از قبیل عدم مسئولیت‌پذیری و بی‌توجهی به آن در سایر زمینه‌های زندگی، گرایش به ارتباطات غیرمعارف دختر و پسر، هدر رفتن سنین جوانی و طراوت، بدخلقی در زندگی به دلیل عدم ارضای نیازهای فرد، دل‌نگرانی والدین از دیر ازدواج کردن فرزندان، افسردگی و اختلالات جنسی، پناه‌بردن به مواد مخدر (بانکی پور فرد، کلانتری و مسعودی‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۷)؛ افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی و شیوع افسردگی و اختلالات رفتاری و آسیب‌پذیری جنسی (آزاد ارمکی و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۸)؛ افزایش طلاق به جهت ارتباطات نامشروع، عدم تعادل، نابهنجاری در رفتار، سلب مسئولیت، فساد اخلاقی، ازدست‌دادن فرصت‌ها و ایجاد ناامنی و عوارض جسمانی و روانی در افراد، دگرگونی در ساختار عوامل جمعیت‌شناختی و در نهایت به خطر افتادن سلامت جامعه خواهد شد (کجباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

نتایج پژوهش‌هایی که در ارتباط با علل افزایش سن ازدواج انجام شده، بیانگر این است که این پدیده تحت تأثیر متغیرهای مختلفی از قبیل سطح تحصیلات و نسبت بیکاری (امامی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۹)؛ تحصیلات و شهرنشینی (خلیلی، ۱۴۰۰: ۷)؛ اشتغال زنان، هزینه‌های آموزشی، هزینه‌های مذهبی و تحصیلات (دری نجف‌آبادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۶۷)؛ آشفستگی نهادی مدرن (مولاپناه، رحمانی خلیلی و وثوقی، ۱۴۰۰: ۱۶۱)؛ برداشت‌های غلط مرتبط به ازدواج، ویژگی‌های

تسهیل‌گر مجرد و مواجهه با افراد تضعیف‌کننده زوجیت‌طلبی (مختاری، یوسفی و منشی، ۱۴۰۰: ۴۶)؛ دشواری دسترسی به زوج مناسب و میزان آزادی در انتخاب همسر؛ ارزش‌های محاط‌شدگی و خودپیروی عاطفی (جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری، ۱۳۹۲: ۱۵۵)؛ عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، خانوادگی، فردی- روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی (صفری، ۱۳۹۲: ۵)؛ درآمد خانوار، تحصیلات، دین‌داری، اشتغال فرد، پایگاه اجتماعی خانواده (آقایی و طاهری بنچناری، ۱۳۹۱: ۷۵)؛ تحصیلات، میزان درآمد، میزان وابستگی اقتصادی خانواده پدری به درآمد زن، میزان اهمیت شرایط اقتصادی همسر، میزان توجه خانواده زن به شرایط اقتصادی داماد و میزان توقعات غیرمادی از همسر آینده (رضادوست و ممبنی، ۱۳۸۸: ۱۰۳)؛ شهرنشینی، میزان باسوادی، میزان فعالیت اقتصادی زنان، میزان اشتغال و میزان اشتغال در بخش صنعت (توده فلاح و کاظمی‌پور، ۱۳۸۹: ۱۰۵)؛ سطح تحصیلات و وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده‌ها (Baysak, et al, 2021: 243) تورم، درآمد و اشتغال زنان (Lee, et al., 2021: 71)، فعالیت جنسی خارج از زناشویی و داشتن شریک جنسی، رشد روزافزون مصرف‌گرایی، سکولاریسم و فردگرایی (Jones, 2012: 89)؛ افزایش سطح تحصیلات و میزان اشتغال زنان، تفاوت‌های جنسیتی کمتر در دریافت حقوق، نابرابری بیشتر در بین مردان و نابرابری اقتصادی میان گروه‌های نژادی (Schoen & Cheng, 2006: 9)؛ افزایش شهرنشینی، کاهش ازدواج سنتی، افزایش هزینه‌های ازدواج، مضیقه ازدواج، تغییر قوانین کشورها از جمله قوانین مربوط به سن ازدواج و تغییر شکل هنجارهای جهانی در ارتباط با ازدواج زودهنگام برای زنان (Mensch, Singh & Casterline, 2005: 118)؛ رشد اقتصادی و تغییر در ارزش‌های فرهنگی (Hippen, 2016: 46)؛ و عوامل مالی، کیفیت و دوام ارتباط و ترس از طلاق (Gibson-Davis, 2009: 146) قرار دارد.

از این‌رو بر اساس آنچه گفته شد، میانگین سن ازدواج در کل کشور در سال ۹۸ در مردان ۲۹/۷ سال و در زنان ۲۴/۸ سال به ثبت رسیده و این آمار در ۳۱ استان کشور متفاوت بوده و در استان خراسان جنوبی در بین جامعه زنان ۲۲/۵ سال گزارش شده است. هرچند میانگین گزارش شده نسبت به میانگین کشوری ۲۴/۸ پایین‌تر گزارش شده؛ ولی در مقایسه با سال‌های قبل از یک‌روند

افزایشی برخوردار بوده است؛ از این رو امروزه پدیده تأخیر در سن ازدواج به عنوان یک معضل و آسیب اجتماعی در جامعه به طور کلان و در سطح استان خراسان جنوبی به طور خاص، مطرح است و عدم توجه به این موضوع می تواند پیامدهای ناخواسته فرهنگی و اجتماعی ناگواری را در سطح فردی و اجتماعی در پی داشته باشد. از طرف دیگر با توجه به اینکه ارائه راهکارهای مناسب برای مدیریت آن، در درجه اول نیازمند یک پژوهش و مطالعه بنیادی در جهت شناخت مسئله و آگاهی از جنبه های مختلف آن است و در صورتی که راهکارها و تدابیر لازم جهت مدیریت این موضوع پیش بینی نشود، قطعاً بروز انواع آسیب ها و انحراف ها را در سطح جامعه و خانواده شاهد خواهیم بود. بنابراین با توجه به اینکه این پدیده تحت تأثیر متغیرهای متعددی قرار دارد، که بر حسب موقعیت های اجتماعی و اقتصادی متفاوت می باشد، مقتضی است تا در هر استان عوامل مؤثر بر این موضوع به طور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد. این پژوهش در قلمرو جغرافیایی استان خراسان جنوبی انجام شده است و نتایج حاصل از این پژوهش ها می تواند مبنایی برای تصمیم گیری مسئولین فرهنگی و اجتماعی استان قرار گیرد تا در برنامه ریزی های فرهنگی و اجتماعی خود آن را لحاظ کنند. بنابراین مهم ترین مسئله پژوهش حاضر، این است که مهم ترین عوامل مؤثر در به تأخیر انداختن سن ازدواج دختران استان خراسان جنوبی از دید دختران مجرد بالای ۲۷ سال چیست؟

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، بر مبنای هدف، در ذیل پژوهش های کاربردی؛ بر مبنای ماهیت پژوهش، تبیینی است که به شیوه ترکیبی از نوع اکتشافی متوالی انجام شد. در طرح اکتشافی متوالی، ابتدا داده های کیفی جمع آوری و تحلیل می شوند و سپس به وسیله داده های کمی پیگیری می شوند. داده های کمی عمدتاً در تکمیل کردن داده های کیفی استفاده می شوند. تحلیل داده ها به هم مربوط می شوند و یکپارچه سازی داده ها معمولاً در مرحله تفسیر داده ها انجام می پذیرد.

جامعه پژوهش در بخش کیفی و کمی شامل کلیه اعضای دختران بالای ۲۷ استان خراسان جنوبی در سال ۹۸-۹۹ بود که به دلایل آموزشی و شغلی در شهر بیرجند سکونت داشتند. بدین منظور، در بخش کیفی پژوهش، جهت شناسایی عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران، با توجه به اینکه شناخت دقیقی از نمونه آماری ممکن نبود، در ابتدا با شناسایی یک مورد فرایند پژوهش آغاز شد و در پایان فرایند مصاحبه، از مصاحبه شونده درخواست می شد دوستانی را که وضعیت مشابهی دارند، معرفی کند. از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده شد و تعداد مشارکت کنندگان در بخش کیفی تا به اشباع رسیدن داده ها ادامه یافت (۱۳ نفر). بدین منظور، با توجه به ماهیت این پژوهش، فرایند جمع آوری داده ها با استفاده از روش مصاحبه عمیق آغاز شد. در گام اول، پژوهشگر پس از معرفی خود و بیان اهداف طرح و جلب اعتماد شرکت کنندگان، در محرمانه بودن مصاحبه و آزاد بودن برای خروج از مطالعه در هر زمان، فرایند مصاحبه در محیطی آرام با استفاده از سؤالات باز و کلی به صورت انفرادی انجام شده است. در ابتدای مصاحبه از مشارکت کنندگان خواسته شد، تا خود را معرفی کنند و در ادامه مصاحبه ها با طرح سؤالات باز و عمومی "اگر ممکن است توضیح دهید..." شروع شد و سؤالات اختصاصی تر بر اساس موضوع اصلی و در جهت دستیابی به اهداف تحقیق مطرح شد و تلاش شد تا با طرح سؤالات متعدد و پرداختن به جزئیات، سؤالات مصاحبه هدایت شود. همچنین جهت کسب اطلاعات بیشتر و واضح سازی مطالب، از سؤالات بیشتر مانند "می توانید بیشتر توضیح دهید؟" "ممکن است یک مثال بزنید؟" استفاده شد. پس از انجام هر مصاحبه، یافته ها تایپ و مورد تحلیل قرار گرفت. مصاحبه ها چندین بار مورد بررسی قرار گرفت و تحلیل مضمون با استفاده از نرم افزار MAXQDA10 در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام شد. در نهایت نسبت به تدوین ابزار تحت عنوان پرسشنامه محقق ساخته عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران اقدام گردید.

در بخش کمی به منظور انتخاب نمونه آماری مناسب، با توجه به اینکه اداره کل ثبت احوال شهرستان، اطلاعات دقیق و به روز شده ای از جامعه آماری پژوهش نداشت و انتخاب نمونه آماری مناسب، مستلزم شناسایی زنان و اطمینان از وضعیت تأهل آنان بود، از روش نمونه گیری هدفمند

استفاده شد. همچنین با توجه به نامشخص بودن جامعه آماری و توصیفی بودن ماهیت پژوهش (ملاک حداقل ۱۰۰ نفر) در این پژوهش، جهت اطمینان از داده‌های حاصل از پرسشنامه ۱۲۰ نفر به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق‌ساخته که بر اساس نتایج حاصل از بخش کیفی پژوهش در قالب ۳۶ گویه و ۵ مؤلفه تدوین شده است. آنگاه با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس تجزیه و تحلیل صورت گرفت. برای اطمینان از روایی ابزارهای اندازه‌گیری در بخش کیفی از روش توافق کدگذاران استفاده شد که در جدول ۱ گزارش شده است.

جدول ۱) محاسبه پایایی بین دو کدگذار

ردیف	کد مصاحبه	تعداد کدها	تعداد توافقات	پایایی کدگذاران
۱	۳	۱۳	۸	۰/۸۱
۲	۸	۱۷	۱۰	۰/۶۷
۳	۱۳	۲۷	۱۴	۰/۸۲
	جمع	۶۴	۳۲	۰/۷۸

طبق اطلاعات جدول ۱، مقدار پایایی ضریب توافق بین کدگذاران ۰/۷۸ گزارش شده است. نظر به اینکه مقدار گزارش شده از ۰/۶۰ کوال (Kvale, 1994) بیشتر است، روایی ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید و تصدیق قرار گرفت. در بخش کمی، روایی ابزارهای اندازه‌گیری با استفاده از روش روایی هم‌گرا و روایی واگرا و پایایی ابزارهای اندازه‌گیری بر اساس سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و ضرایب بارهای عاملی بررسی شد که نتایج مربوط به دو معیار اول پایایی در جدول ۲ گزارش شده و بیانگر این است که ابزارهای اندازه‌گیری از پایایی لازم برخوردار است.

جدول ۲) معیارهای پایایی متغیرهای پژوهش

متغیرهای مکنون	میانگین واریانس استخراج شده	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ
عوامل اقتصادی	۰/۷۸	۰/۹۵	۰/۹۳
عوامل اجتماعی	۰/۷۶	۰/۷۵	۰/۷۲
عوامل فرهنگی	۰/۷۴	۰/۸۸۵	۰/۸۵
عوامل فردی- روان‌شناختی	۰/۷۰	۰/۸۳	۰/۸۰
عوامل جمعیت‌شناختی	۰/۷۹	۰/۹۵	۰/۹۴

بر اساس نظر هالند (Hulland, 1999) مقدار ملاک برای مناسب بودن ضرایب بارهای عاملی ۰/۴ است که در این پژوهش کلیه سؤالات، دارای بار عاملی بیشتر از ۰/۴ بود و همچنین مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی هر یک از متغیرهای پژوهش از ۰/۷ بیشتر گزارش شده که بیانگر پایایی مناسب مدل پژوهش است. همچنین در این پژوهش، برای ارزیابی روایی همگرا، از معیار AVE (میانگین واریانس استخراج شده) استفاده شد که نتایج در جدول ۲ گزارش شده است. با توجه به اینکه مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE مقدار ۰/۵ است و تمامی مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها، از ۰/۵ بیشتر گزارش شده است، می‌توان نتیجه گرفت که روایی همگرای ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید واقع شده است. همچنین روایی واگرایی پرسشنامه‌ها با استفاده از روش فورنل و لارکر (Fornell & Larcker, 1981) بررسی شد و میزان تفاوت بین شاخص‌های یک سازه با شاخص‌های سازه‌های دیگر از طریق مقایسه جذر AVE هر سازه با مقادیر ضرایب همبستگی بین سازه‌ها محاسبه شد و روایی واگرایی ابزار اندازه‌گیری مورد تأیید و تصدیق قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

نتایج حاصل از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته طی چند مرحله کدگذاری منجر به شناسایی ۱۷۳ کدباز شد. در گام دوم کدهای محوری شناسایی شده در قالب ۲۷ کد محوری دسته‌بندی شدند. پس از بررسی مجدد تمام کدهای باز و محوری، کلیه کدهای شناسایی شده در قالب ۵ کد انتخابی تحت عنوان (عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی- روان‌شناختی، عوامل فردی و عوامل جمعیت شناختی) طبقه‌بندی شدند که نتایج در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳) عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران

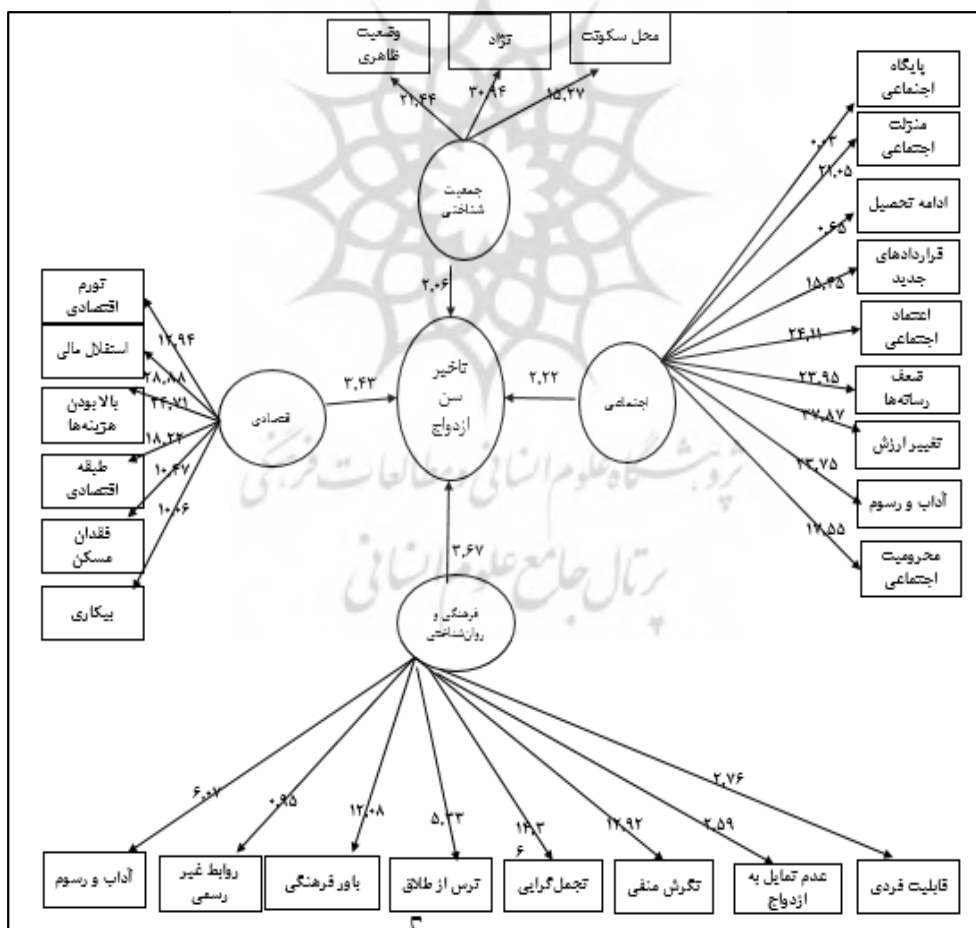
کد انتخابی	کد سازمان‌دهنده	کدهای باز (مضامین)
عوامل اجتماعی	فقدان اعتماد اجتماعی	امروزه نمی‌شود به کسی اعتماد کرد. هر پسری قبل از ازدواج با ده نفر ارتباط داشته و نمی‌شود به آدم‌های امروزی اعتماد کرد. به هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌شود اعتماد کرد. گاهی اوقات اعتماد بی‌جا آدم‌ها را کور می‌کند. در زندگی‌ام یاد گرفتم که به هیچ‌کس نباید اعتماد کرد.
	شکل‌گیری قراردادهای جدید ازدواج	شبکه‌های اجتماعی راه را برای روابط متعدد باز کرده است و ترجیح می‌دهم دوستان زیادی داشته باشم تا اینکه خودم را محدود کنم. در ایران ازدواج کردن یعنی دربند شدن و من بیشتر با ازدواج سفید موافقم تا ازدواج رسمی.
	پایگاه اجتماعی والدین	وقتی پدر و مادرم در اجتماع جایگاهی ندارند و دیده نمی‌شوند آن وقت من چطور بتوانم خودم را پیدا کنم.
	کارکرد ضعیف رسانه‌ها	ما از لحاظ اجتماعی و نهادینه کردن ازدواج آسان، خوب عمل نکرده‌ایم و رسانه‌های اجتماعی هم در نهادینه‌سازی ازدواج آسان ضعیف عمل کرده‌اند.
	تغییر در کانون ارزش‌ها	رنگ و لعاب جای ارزش‌ها را گرفت. سعی کردم خودم باشم؛ خودم بودم ولی باختیم. هرکسی به نوایی رسید؛ اول چادر را برداشت و بعد کم‌کم روسری عقب رفت و هر روز بهتر از دیروز. هرکس هم در باورهایش ماند، شد امل.
	آداب و رسوم محلی نامعقول	هرچند در قرن بیست و یکم هستیم؛ ولی به نظر من، خیلی عقب هستیم. هنوز یک سری آداب و رسوم محلی داریم که از گفتنش هم ابا دارم. به آن‌ها که فکر می‌کنم، چهارستون بدنم می‌لرزد.
	منزلت اجتماعی	معمولاً پسرها کسی را دوست دارند که خانواده‌اش در اجتماع از جایگاه و احترام خاصی برخوردار باشد. خانواده‌ای که پدر و مادر معتاد هستند، منزلت و جایگاهی ندارند.

کد انتخابی	کد سازمان دهنده	کدهای باز (مضامین)
	ادامه تحصیل	فکر می‌کردم اگر تحصیلات عالی‌ه داشته باشم، ازدواج موفق‌تری خواهم داشت. تحصیلاتم تمام شد و گفتم اگر کار داشته باشم شرایطم بهتر خواهد بود. شاغل شدم گفتم پس‌اندازی داشته باشم. هر چه جلوتر رفتم از هدف دورتر و دورتر شدم.
	محرومیت اجتماعی	ازدواج هم از قاعده بازار تبعیت می‌کند و تابع قانون عرضه و تقاضاست. در زندگی دیده نشدیم؛ چون فرصتی برای دیده‌شدن نداشتیم.
عوامل اقتصادی	طبقه اقتصادی	وضعیت مالی خانواده‌ام را که می‌بینم گریه‌ام می‌گیرد و به همه چیز فکر می‌کنم غیر از ازدواج. محل زندگی ما جایی بود که همه معتاد بودند و هر خواستگاری که می‌آمد، احساس خوبی نداشت. کسی را که خواستم، وقتی از اوضاع اقتصادی خانواده‌ام باخبر شد، دیگر من را نخواست. وجود فاصله‌ها بیداد می‌کند. به خاطر شرایط اقتصادی خانواده‌ام، زمانی که باید درس می‌خواندم، به خانواده کمک می‌کردم و فرصت از من فوت شد و تا چشم به هم زدم دیدم زمان از کفم رفته است. ازدواج الفبای خاص خودش را دارد. با هیچ و پوچ که نمی‌شود ازدواج کرد. برای گرفتن یک وام دومیونی درماندم و از پس ضامن برنیامدم؛ ولی فقط می‌توانم بگویم من هم خدایی دارم و ...
	استقلال مالی	وقتی که دستم توی جیب خودم می‌رود چه حاجت به آقابالاسر. شرایط زندگی امروزی خیلی با گذشته فرق کرده است. در گذشته بیشتر خانم‌ها به خاطر مسائل مالی ازدواج می‌کردند؛ اما حالا قضیه متفاوت است.

کد انتخابی	کد سازمان‌دهنده	کدهای باز (مضامین)
	تورم اقتصادی	آنقدر گرانی و فشار اقتصادی ما را درگیر خودش کرده که ازدواج کاملاً برایم نامفهوم است. شکم گرسنه ایمان ندارد. خیلی‌ها صدایشان از جای گرم درمی‌آید.
	بالابودن هزینه‌های مراسم	یک خانواده که دارای چند فرزند با فاصله سنی کم است و از حقوق چندانی برخوردار نیست، مگر هرچند سال می‌تواند یک فرزندشان را به خانه بخت بفرستند؟ گرفتن یک جلسه حداقلی از توان خانواده من خارج است.
	فقدان مسکن	به نظرم فرقی نمی‌کند؛ چه مرد و چه زن تا سرپناهی برای زندگی نداشته باشد، آواره‌ای بیش نیست و ما آواره‌ایم.
	عدم اشتغال	اکثر افرادی که به سراغم آمدند بر این باور بودند که در شرایط فعلی با یک موتور نمی‌شود دخل و خرج زندگی را مدیریت کرد. شاغل نبودم و در نتیجه از چشم افتادم.
عوامل شناختی جمعیت	نوع مذهب	باورهای مذهبی خانواده من طوری است که من فقط باید با هم‌مذهب خودم ازدواج کنم؛ در نتیجه دایره انتخاب محدود است.
	زیبایی ظاهری	عقل آدم‌ها توی چشم آدم‌هاست و امروزه همه ملاک‌های انتخاب، ظاهر زندگی آدم‌هاست. نه خودم ظاهر زیبایی داشتم نه ظاهر زندگی‌ام به‌طور کل. کبوتر با کبوتر باز با باز؛ کی می‌آید سراغ من که نه زیبا هستم و نه خانواده آن‌چنانی دارم.
	نوع نژاد	از لحاظ جسمی و ظاهری افراد متفاوت‌اند. برخی از خانم‌ها به خاطر نوع نژادی که دارند شانس بیشتری برای زندگی دارند.
	محل سکونت	وقتی اکثر جوان‌های روستا برای کار کردن به شهر می‌روند، شانس ما برای ازدواج کمتر می‌شود؛ چون جمعیت منطقه ما کم است و ازدواج‌ها بر اساس آشنایی انجام می‌شود. اگر من هم شهرنشین بودم قطعاً ازدواج کرده بودم.
	توان و پتانسیل فردی	خواستگار زیادی داشتم؛ ولی نگه‌داشتن افراد نیاز به استعداد و مهارت خاصی داشت که من نداشتم.

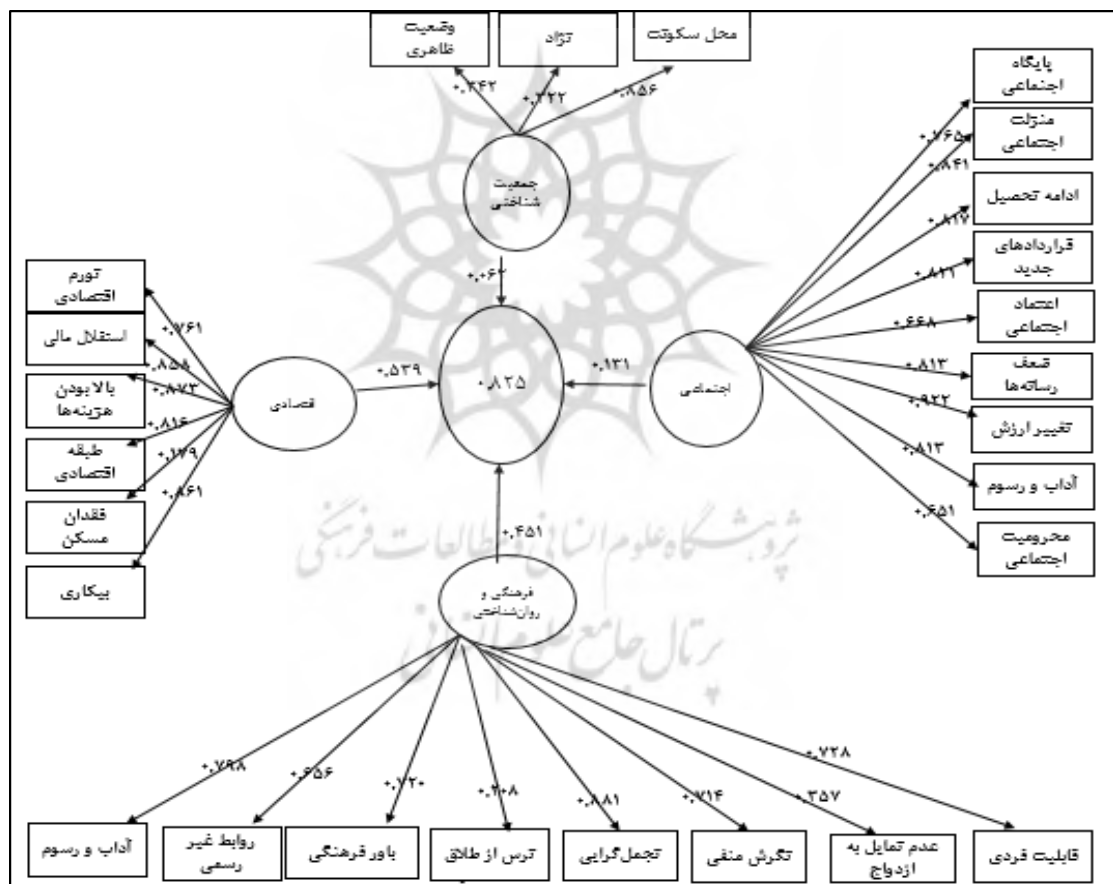
کد انتخابی	کد سازمان دهنده	کدهای باز (مضامین)
عوامل فرهنگی و روان‌شناختی	ضعف در تصمیم‌گیری فردی	در شرایطی نتوانستم درست تصمیم بگیرم. منتظر فرصت ماندم و فرصت داشته را از دست دادم.
	عدم تمایل به ازدواج رسمی	ژاپنی‌ها یک ضرب‌المثل دارند که در سفر به دنبال مناظر زیبا نباش؛ بلکه نگاهت را عوض کن. ما اگر نگاهمان را عوض کنیم می‌بینیم که مجرد بودن خودش زیباست. افراد باید تحت تأثیر ایده‌ها و افکار خودشان رفتار کنند نه اینکه ببینند موج به کدام طرف می‌رود و روی موج باشند. من از وضعیت موجودم راضی هستم. در شرایطی که فضای مجازی امکان رابطه مجازی را به آدم‌ها می‌دهد و آن‌ها می‌توانند از نظر روحی و حتی جسمی هم را ارضا کنند، چه نیازی به ازدواج هست؟
	نگرش منفی	سری را که درد نمی‌کند دستمال نمی‌بندند. ازدواج نمی‌کنم و در عوض راحت هستم. حس می‌کنم به خاطر وضعیت مالی و اشتغال می‌خواهند با من ازدواج کنند و بیشتر دید ابزارگونه به من دارند تا انسان‌گونه.
	تجمل‌گرایی	تجمل‌گرایی و انتظارت و توقع خیلی بالا بود؛ به طوری که از پس خودم و خانواده‌ام ساخته نبود. رسانه‌های ما تجمل‌گرایی را تبلیغ می‌کنند؛ حتی در فیلم‌های تلویزیونی.
	ترس از طلاق	دو تا از خواهراتم ازدواج کردند و بعد از یک سال هر دو نفر طلاق گرفتند و یک نان‌خور دیگر هم وارد خانه‌مان کردند و من مطمئنم که من هم اگر ازدواج کنم شرایط همین است.
	تعصبات فرهنگی	یک دختر هیچ‌وقت نمی‌تواند عشقش را به زبان بیاورد و اگر این موضوع از نظر فرهنگ ما مانعی نداشت، شکی ندارم که الآن وضعیتم این نبود.
	گسترش روابط جنسی نامتعارف	مردان امروزی تنوع طلب هستند و به یک زن بسنده نمی‌کنند و هم‌زمان با چند نفر در ارتباط هستند که این موضوع با روحیه من سازگار نیست.

طبق اطلاعات جدول ۳، عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران استان خراسان جنوبی دارای ۵ عامل و ۲۷ مؤلفه است که به منظور اطمینان از یافته‌های بخش کیفی پژوهش، این ابعاد در قالب پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته در بخش کمی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور، از نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس و روش دومرحله‌ای حداقل مربعات جزئی استفاده شد. در ابتدا برای بررسی اثرات مستقیم ابعاد عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی- روان‌شناختی و عوامل جمعیت‌شناختی بر تأخیر سن ازدواج دختران در قالب یک مدل مفهومی بر اساس بخش کیفی پژوهشی طراحی شد. در گام دوم، از تحلیل عاملی تأییدی و در گام سوم، از تحلیل مسیر برای تحلیل روابط بین سازه‌ها استفاده شد که خروجی نرم‌افزار در قالب شکل ۱ و ۲ ارائه شده است.



شکل ۱) ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values) تأخیر سن ازدواج دختران

برای پاسخ به سؤال‌های پژوهش، در نرم‌افزار اسمارت پی. ال. اس می‌بایست ضرایب معناداری Z (مقادیر t-values) و ضرایب استاندارد شده بار عاملی مربوط به مسیر هر یک از متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گیرد. نتایج شکل ۱ بیانگر این است که ضرایب معنی‌دار Z برای مسیر مؤلفه‌های اقتصادی به تأخیر ازدواج دختران ۳/۴۳؛ مسیر مؤلفه‌های فرهنگی به تأخیر ازدواج دختران ۲/۲۲ و مسیر مؤلفه‌های جمعیت شناختی به تأخیر ازدواج دختران ۲/۰۶ گزارش شده است که نشان از معنی‌دار بودن رابطه در سطح معناداری ۰/۰۵ است؛ از این‌رو مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیت-شناختی، قابلیت تبیین واریانس تأخیر ازدواج دختران استان خراسان جنوبی را دارند.



شکل ۲) ضرایب استاندارد شده عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران

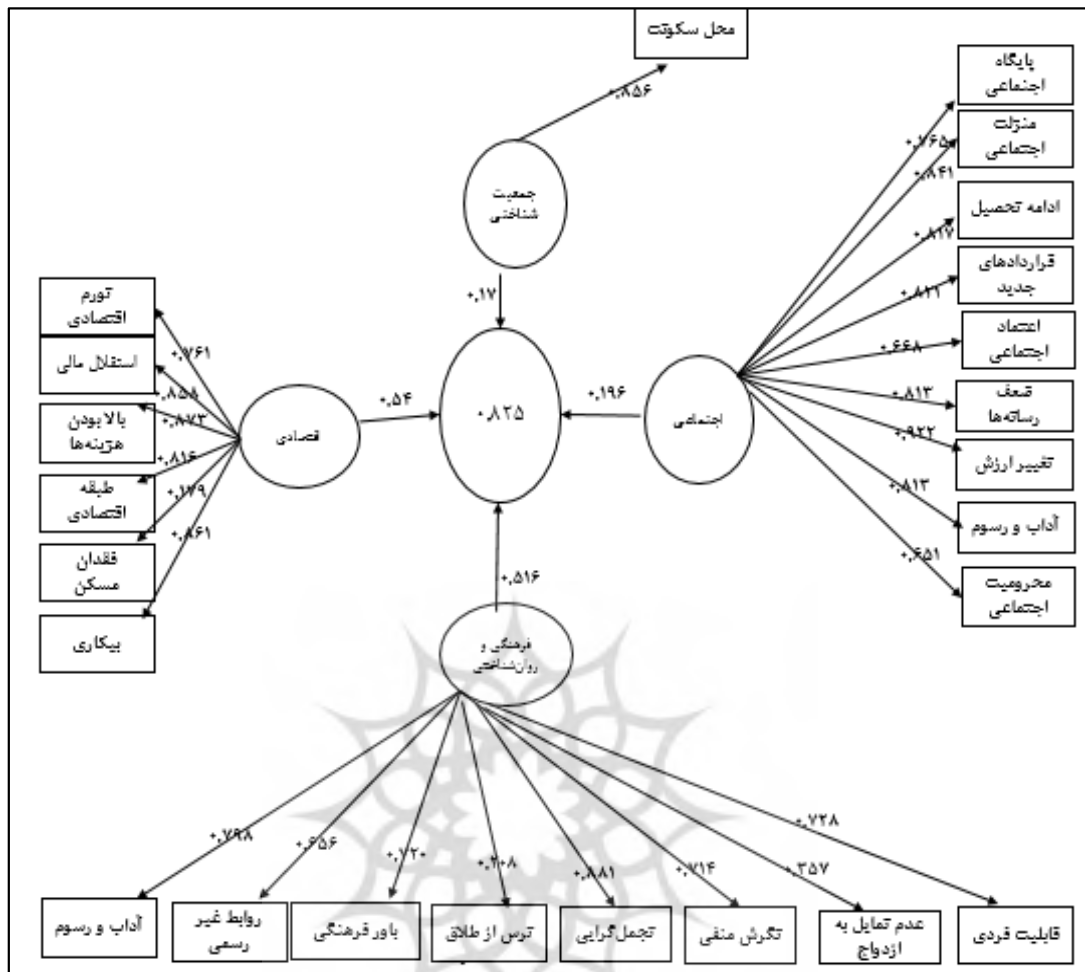
شکل ۲ بیانگر ضرایب استاندارد مؤلفه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و جمعیت‌شناختی مدل تأخیر ازدواج دختران است. با توجه به اینکه مقادیر استخراج شده باید از ۰/۳ بیشتر باشد

تا پذیرفته شوند، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر این است که عوامل اقتصادی ۰/۳۶، عوامل فرهنگی ۰/۶۲ و عوامل اجتماعی ۰/۲۳ از تغییرات تأخیر ازدواج دختران را تبیین می‌کنند که خلاصه ضرایب اثرات مستقیم در جدول ۴ بیان شده است.

جدول ۴) برآورد ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای پژوهش

مسیرها	ضرایب استاندارد	t value	sig	نتیجه آزمون
عوامل اقتصادی ← تأخیر در ازدواج	۰/۵۳	۳/۴۳	۰/۰۱	تأیید
عوامل فرهنگی- روان‌شناختی ← تأخیر در ازدواج	۰/۴۵	۳/۶۷	۰/۰۱	تأیید
عوامل اجتماعی ← تأخیر در ازدواج	۰/۱۳	۲/۲۲	۰/۰۱	تأیید
عوامل جمعیت‌شناختی ← تأخیر در ازدواج	۰/۰۴	۲/۰۶	۰/۰۱	تأیید

نتایج جدول ۴ بیانگر این است که ضریب اثر مستقیم عوامل اقتصادی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۵۳، ضریب اثر مستقیم عوامل فرهنگی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۴۵؛ ضریب اثر مستقیم عوامل اجتماعی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۱۳، و ضریب اثر مستقیم عوامل جمعیت‌شناختی بر تأخیر ازدواج دختران ۰/۰۴ گزارش شده که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. با توجه پایین بودن بار عاملی برخی از شاخص‌ها از مقدار ۰/۴۰ به منظور اطمینان از برازش مدل نهایی، برخی از شاخص‌ها از مدل حذف شد و مجدداً مدل اجرا شد.



شکل ۳) مدل اصلاح شده عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران

به منظور درک بهتر و اطمینان از درستی مدل اصلاحی آزمون شده، شاخص‌های برازش مدل اصلاحی در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵) خلاصه شاخص‌های برازش مدل ساختاری و مدل کلی پژوهش

مقدار شاخص‌های برازش			شاخص‌های برازش	
حد مجاز			مقدار در مدل	
۰/۳۵	۰/۱۵	۰/۰۲	متغیر مکنون	معیار Q2
زیاد	متوسط	ضعیف		
۰/۳۲			تأخیر ازدواج دختران	R2
۰/۳۵	۰/۱۵	۰/۰۲		
زیاد	(متوسط)	ضعیف		
۰/۸۲				
معیار خاصی گزارش نشده است				۰/۱۷
قابل قبول				
۰/۳۶	۰/۲۵	۰/۰۱	۰/۶۸	معیار GOF

طبق اطلاعات مندرج در جدول ۵، مقدار R2 بیانگر این است که ۰/۸۲٪ از تغییرات متغیر تأخیر ازدواج دختران توسط ۴ عامل (عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی و عوامل جمعیت‌شناختی) تبیین می‌شود که این موضوع، نشان قوی بودن تأثیر عوامل مذکور است. طبق الگوی مفهومی پژوهش، عوامل اقتصادی بیشترین سهم را در تأخیر ازدواج دختران دارد.

خلاصه و نتیجه‌گیری

افزایش میانگین سن در اولین ازدواج، فصل مشترک تغییرات اجتماعی در اکثر کشورهای جهان، طی دهه‌های اخیر بوده است. در ایران نیز طی سالیان اخیر، روند تأخیر در ازدواج دختران و پسران جوان به یکی از چالش‌های مهم جمعیتی و اجتماعی تبدیل شده است؛ به طوری که در سرشماری سال ۱۳۹۵ با میانگین ۲۷/۴ سال به اوج خود رسیده است. نتایج بررسی‌ها بیانگر این است که پدیده افزایش سن ازدواج و در ادامه بروز مجرد قطعی، باعث اختلال در کارکرد طبیعی نهاد خانواده می‌شود. این پدیده نه تنها بر متغیرهای جمعیت‌شناختی تأثیرگذار است؛ بلکه تأثیر آن را می‌توان در منحنی سلامت و هوش افراد جامعه مشاهده کرد که در نهایت منجر به بروز نابسامانی‌هایی از قبیل فساد اجتماعی، فساد اخلاقی و پدیده دختران فراری می‌شود؛ بنابراین در پژوهش حاضر، ادراک دختران از تأخیر سن ازدواج مورد واکاوی قرار گرفت.

نتایج پژوهش بیانگر این بود که بازدارنده‌های اصلی تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی را می‌توان به ترتیب در قالب نظریه‌های اقتصادی، نظریه‌های فرهنگی، نظریه‌های اجتماعی و نظریه‌های جمعیت‌شناختی تحلیل و تبیین کرد که در این بین، بازدارنده‌های اقتصادی نقش پررنگ‌تری دارند. در ارتباط با عوامل اقتصادی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که شش شاخص طبقه اقتصادی، استقلال مالی، تورم اقتصادی، بالابودن هزینه‌های مراسم، فقدان مسکن و عدم اشتغال دختران به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران محسوب می‌شود که توسط تمامی این شاخص‌ها، به‌جز شاخص طبقه اقتصادی توسط نتایج آماری بخش کمی پژوهش نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. بر اساس نتایج و ادراک دختران مورد مطالعه در این پژوهش، آن دسته از دخترانی که خانواده آنان از اوضاع اقتصادی بهتری برخوردارند، شانس بیشتری برای ازدواج دارند و دختران شاغل هنگام تصمیم‌گیری برای ازدواج، عایدی‌های ناشی از ازدواج و ازدواج‌نکردن را مقایسه می‌کنند و زمانی تصمیم به ازدواج می‌گیرند که باور کنند در صورت ازدواج‌کردن، منافی بیش از زمان مجردماندن در انتظار آن‌ها است. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۸ بیان می‌کند که "وقتی که دستم توی جیب خودم می‌رود چه حاجت به

آقابالاسر؛ همچنین "شرایط زندگی امروزی خیلی با گذشته فرق کرده است. در گذشته اکثر خانم‌ها به خاطر مسائل مالی ازدواج می‌کردند؛ ولی الآن قضیه متفاوت است."

در ارتباط با مقوله اشتغال و عدم اشتغال، نتایج حاصل از این پژوهش، نتایج دوگانه‌ای بود؛ از یک طرف نتایج نشان داد که فراهم کردن زمینه‌های اشتغال برای دختران سبب شده است تا از استقلال مالی و اقتصادی برخوردار باشند و در نتیجه بیشتر به سمت تجددگرایی گرایش داشته باشند؛ از طرف دیگر از دید دختران، با توجه به بالابودن هزینه‌های زندگی و مراسم ازدواج، اکثر پسران به دنبال دختران شاغل و یا دخترانی هستند که خانواده آنان از تمکن مالی بالایی برخوردار باشند. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۵ بیان می‌کند که "ازدواج الفبای خاص خودش را دارد؛ با هیچ و پوچ که نمی‌شود ازدواج کرد". مصاحبه‌شونده شماره ۱۰ بیان می‌کند که "آنقدر گرانی و فشار اقتصادی من را درگیر خود کرده که ازدواج کاملاً برایم نامفهوم است. مصاحبه‌شونده شماره ۷ بیان می‌کند که "شکم گرسنه ایمان ندارد. خیلی‌ها صدایشان از جای گرمی درمی‌آید". به‌طور کلی بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، طبقه اقتصادی، استقلال مالی، افزایش تورم، بالابودن هزینه‌های مراسم، فقدان مسکن و عدم اشتغال دختران، از مهم‌ترین موانع اقتصادی تأخیر در سن ازدواج دختران محسوب می‌شود.

در ارتباط با عوامل فرهنگی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که شاخص عدم تمایل به ازدواج رسمی، نگرش منفی، گرایش به تجمل‌گرایی، ترس از طلاق، تعصبات فرهنگی و گسترش روابط جنسی نامتعارف به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های فرهنگی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران محسوب می‌شود که توسط بخش کمی پژوهش نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. در این زمینه نتایج پژوهش بیانگر این بود که باورهای عمومی و به‌ویژه نوع نگاه دختران به خودشان، از جمله باور به کلیشه‌های فرهنگی، یکی از عوامل تعیین‌کننده تأخیر سن ازدواج آن‌هاست و این باورها می‌تواند به‌صورت یک مانع اساسی بر سر راه ازدواج دختران قرار گیرد. در این زمینه مصاحبه‌شونده شماره ۳ بیان می‌کند که «در زندگی‌ام یاد گرفتم که به هیچ‌کس نباید اعتماد کرد»، «سری را که درد نمی‌کند، دستمال نمی‌بندند. ازدواج نمی‌کنم و در عوض راحت‌م» و «مردان امروزی تنوع طلب هستند و به

یک زن بسنده نمی‌کنند». این‌گونه باورها منجر به یک نوع نگاه منفی و بدبینی نسبت به امر ازدواج شده که در نهایت موجب کاهش انگیزه و تمایل به ازدواج دختران شده است. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های آقایی و طاهری بنچناری، (۱۳۹۱)؛ رضادوست و ممبنی (۱۳۸۸) و توده فلاح و کاظمی‌پور (۱۳۸۹) همسو است و یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها را مورد تأیید و تصدیق قرار داده است.

در ارتباط با عوامل اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران در استان خراسان جنوبی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که شاخص فقدان اعتماد اجتماعی، شکل‌گیری قراردادهای جدید ازدواج، پایگاه اجتماعی والدین، کارکرد ضعیف رسانه‌ها، تغییر در کانون ارزش‌ها، آداب و رسوم محلی نامعقول، منزلت اجتماعی، ادامه تحصیل و محرومیت اجتماعی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص‌های اجتماعی مؤثر بر تأخیر سن ازدواج دختران محسوب می‌شود که توسط بخش کمی پژوهش نیز مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که محرومیت اجتماعی زنان می‌تواند به کاهش تعاملات و ارتباطات زنان منجر شود؛ در نتیجه دختران تمایل کمتری به ازدواج دارند و با موانع بیشتری جهت ازدواج روبه‌رو شده‌اند. در این زمینه مصاحبه‌شوندگان مختلف بیان داشتند که «به هیچ‌کس و هیچ‌چیز نمی‌شود اعتماد کرد. گاهی اوقات اعتماد بی‌جا آدم‌ها را کور می‌کند. در زندگی‌ام یاد گرفتم که به هیچ‌کس نباید اعتماد کرد» و یا «شبکه‌های اجتماعی راه را برای روابط متعدد باز کرده و ترجیح می‌دهم دوستان زیادی داشته باشم تا اینکه خودم را محدود کنم؛ یا «در ایران ازدواج کردن یعنی در بند شدن و من بیشتر با ازدواج سفید موافقم تا ازدواج رسمی؛ «رنگ و لعاب جای ارزش‌ها را گرفت. سعی کردم خودم باشم، خودم بودم ولی باختم»؛ «فکر می‌کردم اگر تحصیلات عالی داشته باشم ازدواج موفق‌تری خواهم داشت. تحصیلاتم تمام شد گفتم اگر کار داشته باشم شرایطم بهتر خواهد بود. شاغل شدم گفتم پس‌اندازی داشته باشم. هرچه جلوتر رفتم از هدف دورتر و دورتر شدم»؛ «ازدواج هم از قاعده بازار تبعیت می‌کند و تابع قانون عرضه و تقاضاست» و «در زندگی دیده نشدیم؛ چون فرصتی برای دیده شدن نداشتیم». نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج پژوهش‌های رضادوست و

ممبئی (۱۳۸۸) و توده فلاح و کاظمی پور (۱۳۸۹) همسو است و یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها را مورد تأیید و تصدیق قرار داده است.

در ارتباط با عوامل جمعیت شناختی، نتایج بخش کیفی پژوهش بیانگر این بود که محل سکونت، زیبایی ظاهری از مهم‌ترین عوامل جمعیت شناختی مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران محسوب می‌شود که در بین عوامل مختلف جمعیت شناختی، صرفاً مؤلفه محل سکونت بر اساس نتایج حاصل از بخش کمی پژوهش مورد تأیید و تصدیق قرار گرفته است. در ارتباط با تأثیر محل سکونت بر تأخیر ازدواج دختران نتایج مطالعات کاظمی پور (۱۳۸۳) و محمودیان (۱۳۸۳) بیانگر این است که بین متغیر سن ازدواج با محل سکونت در شهر و روستا ارتباط معنی‌داری وجود دارد و شهرنشینی یک عامل اثرگذار در افزایش سن ازدواج محسوب می‌شود، همسو بوده و نتایج این پژوهش‌ها را تأیید و تصدیق کرده است.

بطور کلی؛ نتایج حاصل از این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های جبرائیلی، زاده‌محمدی و حیدری (۱۳۹۲)، (صفری، ۱۳۹۲) (آقایی و طاهری بنچناری، ۱۳۹۱)؛ رضادوست و ممبئی (۱۳۸۸)؛ توده فلاح و کاظمی پور (۱۳۸۹)؛ (Hippen, 2016)؛ (Schoen & Cheng, 2006)؛ (Jones, 2012) و (Gibson-Davis, 2009) همسو است و یافته‌های این دسته از پژوهش‌ها را مورد تأیید و تصدیق قرار داده است. در نهایت، بر اساس یافته‌های حاصل از این پژوهش پیشنهاد می‌شود به‌منظور استخراج راهکارهایی در حوزه متغیرهای مذکور، در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آینده به فعالیت‌هایی از قبیل حمایت‌های مالی از دختران مجرد به شیوه‌های مختلف، از جمله اعطای اعتبارات مالی، استخدام به شرط تأهل، اعطای مشوق‌های مادی در صورت ازدواج و نظایر آن، برپایی جشن‌های ازدواج گروهی توسط نهادهای دولتی به‌منظور کاهش هزینه‌های اولیه ازدواج، تعیین انتظارات معقول به منظور دوام و پایداری زندگی مشترک، پرهیز از تجمل‌گرایی، فرهنگ‌سازی و تغییر نگرش افراد از طریق برگزاری کارگاه‌های مهارت‌های زندگی، آموزش مهارت‌های زندگی، تقویت مهارت‌های ارتباطی، تقویت باورهای دینی و اعتقادی، آموزش تاب‌آوری، امیدوار کردن دختران نسبت به زندگی زناشویی و کاهش نگرانی آنان از شروع زندگی مشترک، توجه ویژه منظور شود و هرگونه اقدام عملی و مداخله در جهت کاهش آمار مجردان و

افزایش تمایل به ازدواج در بین دختران مجرد استان خراسان جنوبی باید معطوف به این متغیرها باشد.

مهم‌ترین محدودیت پژوهش حاضر عبارتند از:

- محدودیت در شناسایی و مصاحبه نمونه آماری پژوهش؛ به صورتی که بسیاری از دختران بعد از شناسایی، حاضر به همکاری با پژوهشگر نبودند.
- آنجاکه تحلیل داده‌های کیفی مبتنی بر پارادایم تفسیری است، ممکن است در بخش تحلیل داده‌های کیفی، ذهنیت محقق در نحوه استخراج مؤلفه‌ها تأثیرگذار بوده باشد.
- در پژوهش‌های کیفی امکان بروز و دخالت‌دادن پیش‌فرض‌ها و تعصبات پژوهشگر ممکن است یافته‌ها و نتایج تحقیق را خدشه‌دار کند که البته در پژوهش حاضر، محقق تلاش کرده است تا حد امکان بدون سوگیری عمل کند و صرفاً اقدام به رصد تجارب و دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان نماید.
- از آنجاکه این مطالعه بر اساس طرح تحقیق مقطعی انجام شده است، روابط بین متغیرها دلالت بر قطعی بودن رابطه علی ندارد و در استفاده کاربردی از نتایج این پژوهش باید جوانب احتیاط را رعایت کرد.
- این مطالعه در یک استان محروم کشور انجام شده و با توجه به شرایط حاکم بر استان، ممکن است که متغیرهای اقتصادی به‌عنوان مهم‌ترین مانع ازدواج محسوب شده باشد. بنابراین؛ انجام تکرار مطالعه در استان‌های هم‌جوار که از لحاظ موقعیت جغرافیایی و شرایط اجتماعی و اقتصادی شباهت بیشتری دارند، می‌تواند به یافته‌های دقیق‌تری منجر شود و مدیران و مسئولان استانی را در جهت سیاست‌گذاری‌های عقلانی‌تر رهنمون نماید.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی، و دیگران (۱۳۹۱). "هم‌خانگی: پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران". جامعه‌پژوهی فرهنگی، سال سوم، ش ۱ (بهار): ۴۳-۷۷.
- آقایی، سیدسعید؛ طاهری بنچناری، رؤیا (۱۳۹۱). "نگرش جوانان به تأثیر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بالارفتن سن ازدواج (مورد مطالعه: ناحیه ۲ و ۳ منطقه ۴ تهران، سال ۱۳۹۱)". مطالعات جامعه‌شناسی ایران، سال سوم، ش ۸ (بهار): ۷۵-۹۴.
- امامی، عادل، و دیگران (۱۴۰۰). "تأخیر ازدواج در ایران: تحلیل تفاوت‌های شهرستانی در الگوهای تجرد مردان و زنان". مطالعات جمعیتی، سال هفتم، ش ۱ (بهار و تابستان): ۳۵-۶۵.
- بانکی‌پور فرد، امیرحسین؛ کلانتری، مهدی؛ مسعودی‌نیا، زهرا (۱۳۹۱). "درآمدی بر ازدواج جوانان". ندای جمهوری اسلامی ایران، سال یازدهم، ش ۶۵ (پاییز): ۲۶-۴۷.
- توده فلاح، معصومه؛ کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۹). "بررسی تأثیر نوسازی بر سن با تأکید بر شاخص‌های جمعیتی ازدواج در سطح کشور و ۷ استان منتخب ۱۳۸۵". پژوهش اجتماعی، سال سوم، ش ۸ (پاییز): ۱۰۵-۱۳۱.
- جبرائیلی، هاشم؛ زاده‌محمدی، علی؛ حیدری، محمود (۱۳۹۲). "تفاوت ملاک‌های انتخاب همسر بین دو جنس". خانواده‌پژوهی، دوره نهم، ش ۳۴ (تابستان): ۱۵۵-۱۷۱.
- جرجزاده، مهسا، و دیگران (۱۴۰۰). "اثربخشی درمان عدالت‌خواهی جنسیتی مبتنی بر آموزه‌های دینی بر طرح‌واره نقش جنسیتی و سرمایه فکری دختران با تأخیر در ازدواج". تحقیقات علوم رفتاری، سال نوزدهم، ش ۱ (بهار): ۹۱-۱۰۳.
- حبیب‌پور گتابی، کرم؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰). "علل افزایش سن ازدواج دختران". زن در توسعه و سیاست، سال نهم، ش ۳۲ (بهار): ۷-۳۴.
- خلیلی، مهدی (۱۴۰۰). "تحلیل نسلی مقطعی تغییرات ازدواج زنان ایران با استفاده از جداول عمر زناشویی". نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال شانزدهم، ش ۳۱ (بهار و تابستان): ۷-۳۱.
- درّی نجف‌آبادی، زهرا، و دیگران (۱۴۰۰). "بررسی تأثیر اشتغال زنان بر ازدواج و طلاق". اقتصاد و الگوسازی، سال دوازدهم، ش ۲ (تابستان): ۱۶۷-۱۹۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۷). "سالنامه آماری کشور". تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست جمهوری سازمان برنامه و بودجه کشور.

- رضادوست، کریم؛ ممبئی، ایمان (۱۳۸۸). "بررسی رابطه بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل". *مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران/هواز*، سال شانزدهم، ش ۱ (تابستان): ۱۰۳-۱۲۰.
- زارعان، منصوره (۱۳۹۷). "بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران". *مطالعات زن و خانواده*، سال ششم، ش ۲ (پاییز و زمستان): ۸۹-۱۱۰.
- شعاع کاظمی، مهرانگیز؛ فرازنده پور، فرح (۱۳۹۸). "رابطه بین سبک زندگی و تأخیر سن ازدواج در دانشجویان". *پژوهشنامه سبک زندگی*، سال نهم، ش ۵ (زمستان): ۱۲۵-۱۳۹.
- صفری، سمیرا (۱۳۹۲). "بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده تمایل به ازدواج در پسران شهر اصفهان". پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان.
- علائی بوسجین، محسن (۱۴۰۰). "توسعه راهکارهای جامعه‌شناختی رفع موانع و مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ازدواج جوانان". *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال سیزدهم، ش ۴۷ (بهار): ۲۳۷-۲۴۷.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). "تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن". *پژوهش زنان*، سال دوم، ش ۳ (پاییز): ۱۰۳-۱۲۴.
- کجباف، محمدباقر، و دیگران (۱۳۸۷). "تحلیل کیفی تجردهای ناخواسته در دختران و پسران". *خانواده‌پژوهی*، سال چهارم، ش ۱۴ (تابستان): ۱۲۳-۱۳۲.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). "سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان". *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴ (زمستان): ۲۷-۵۳.
- مختاری، سمانه؛ یوسفی، زهرا؛ منشی، غلامرضا (۱۴۰۰). "شناسایی پدیده تأخیر در ازدواج دختران: نظریه زمینه‌ای". *خانواده‌درمانی کاربردی*، سال دوم، ش ۲ (تابستان): ۴۶-۶۶.
- مولاپناه، زهره؛ رحمانی خلیلی، احسان؛ وثوقی، منصور (۱۴۰۰). "مطالعه جامعه‌شناختی: زمینه‌ها و پیامدهای تأخیر سن ازدواج در بین مردان مجرد شهر تهران". *مطالعات راهبردی زنان*، سال بیست و چهارم، ش ۹۴ (زمستان): ۱۶۱-۱۸۴.

- Baysak, E., et al. (2021). "Is early marriage practice a problem for women living in Istanbul? A qualitative study". *Archives of women's mental health*, Vol. 24, No. 2: 243-250.
- Bleske-Rechek, A. L.; Buss, D. M. (2001). "Opposite-sex friendship: Sex differences and similarities in initiation, selection and dissolution". *Personality and Social Psychology Bulletin*, Vol. 27, No. 10: 1310-1323.
- Fornell, C.; Larcker, D. F. (1981). "Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error". *Journal of marketing research*, Vol. 18, No. 1: 39-50.
- Gibson-Davis, C. M. (2009). "Money, marriage and children: Testing the financial expectations and family formation theory". *Journal of Marriage and Family*, Vol. 71, No. 11: 146-160.
- Hacker, J. D.; Hilde, L.; Jones, J. H. (2010). "The effect of the Civil War on southern marriage patterns". *The Journal of southern history*, Vol. 76, No. 1: 39-70.
- Hippen, K. A. (2016). "Attitudes toward marriage and long-term relationships across emerging adulthood". Master of Arts in Sociology, College of Arts and Sciences, Georgia State University.
- Hulland, J. (1999). "Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies". *Strategic management journal*, Vol. 20, No. 2: 195-204.
- Jones, G. (2012). "Late marriage and low fertility in Singapore: The limits of policy". *The Japanese Journal of Population*, Vol. 10, No. 1: 89-101.
- Kvale, S. (1994). *Interviews: An introduction to qualitative research interviewing*. American: Sage Publications, Inc.
- Lee, B. S., et al. (2021). "Factors delaying marriage in Korea: An analysis of the Korean population census data for 1990–2010". *Asian Population Studies*, Vol. 17, No. 1: 71-93.
- Loughran, D. S.; Zissimopoulos, J. M. (2004). *Are There Gains to Delaying Marriage? The Effect of Age at First Marriage on Career Development and Wages*. Santa Monica, CA: Rand Labor and Population.
- Mensch, B. S.; Singh, S.; Casterline, J. B. (2005). Trends in the timing of first marriage among men and women in the developing world. Washington DC: National Academies Press.
- Nai Peng, T. (2007). "Trends in delayed and non-marriage in Peninsular Malaysia". *Asian Population Studies*, Vol. 3, No. 3: 243-261.
- Retherford, R. D.; Ogawa, N.; Matsukura, R. (2001). "Late marriage and less marriage in Japan". *Population and development review*, Vol. 27, No. 1: 65-102.
- Schoen, R.; Cheng, Y. H. A. (2006). "Partner choice and the differential retreat from marriage". *Journal of Marriage and Family*, Vol. 68, No. 1: 1-10.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی